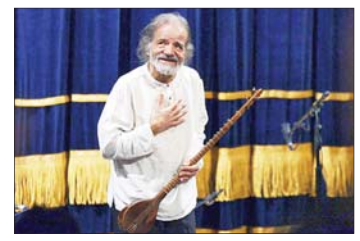
خبرخوان

سهیل ذوالفنون در گفت‌وگو با«شرق»:

بنیاد «ذوالفنون» تاسیس می‌شود

سحر آزاد

● بیش از یک‌سال از درگذشت جلال ذوالفنون می‌گذرد. ذوالفنون، موسیقیدان و نوازنده سه‌تار در آخرین روزهای سال ۹۰ بر اثر خونریزی داخلی پس از جراحی قلب باز درگذشت. او علاوه‌بر انتشار آلبوم و آثار صوتی، تحقیق‌های وسیعی هم در زمینه موسیقی انجام داده بود و همین‌ها، شیوه خاصی در موسیقی برای او درپی داشت. حالا با گذشت بیش از یک‌سال از درگذشت او، خبری مبنی‌بر انتشار آلبوم «در آسمان» موجب نارضایتی اعضای خانواده‌اش شده است. خانواده ذوالفنون به دلیل بی‌اطلاعی از این جریان و کیفیت اثری که ارایه شده است، ابراز نارضایتی کرده‌اند. هرچند سهیل ذوالفنون، پسر استاد ذوالفنون در گفت‌وگو با «شرق» از تلاش برای حل این مشکل و البته مهم‌تر از آن راه‌اندازی «بنیاد ذوالفنون» خبر می‌دهد. سهیل ذوالفنون، فرزند این نوازنده تار به «شرق» می‌گوید: «با انتشار آلبوم بدون اطلاع ما، سوءتفاهمی پیش آمده است که به روش کدخامنشانه درحال رفع آن هستیم و دوست داریم مساله حل شود.»



او ادامه می‌دهد: «پدرم دو، سه سال پیش از درگذشت، تهیه این آلبوم را شروع کرده بود. منتهی همه آنها که در جریان تولید یک آلبوم موسیقی هستند، می‌دانند این کار بسیار پیچیده است و از نظر تخصص هنری و جزییاتی که باید به آن توجه شود، بسیار اهمیت دارد. شخصی که این آلبوم را تولید کرده است، با استاد، قرارهایی گذاشته بود اما وقتی اثر روانه بازار شد، از لحاظ ادیت نهایی و Final Mix نیمه‌کاره بود.»

ذوالفنون همچنین عنوان می‌کند، یکی دیگر از مسایلی که در انتشار این اثر موجب سوءتفاهم شده، شبهه‌هایی است که در قرارداد وجود داشته و دو طرف درحال مذاکره در این زمینه هستند. او می‌گوید تاکنون بیشتر مشکلات مورد توافق طرفین قرار گرفته و اظهار امیدواری می‌کند این مساله هرچه زودتر برطرف شود. سهیل ذوالفنون همچنین در توضیح جزییات این اثر ابراز می‌کند: «این آلبوم با دیگر آثار استاد متفاوت بود. ادیب، یکی از شاگردان اسماعیل مهرتاش است که سال‌ها فعالیتی در زمینه برگزاری کنسرت یا انتشار آلبوم نداشت. با توجه به پیشنهاد یکی از دوستان، استاد به مدت دوسال روی صدای او کار کرد تا در آلبوم مورد استفاده قرار گیرد. آهنگ‌هایی هم که ریتم خاصی داشت و تلفیقی از موسیقی سنتی با حالت مدرن بودند، همراه این صدا شد تا در آلبوم به‌کار گرفته شود.»

او در ادامه یکی از ضعف‌های آلبوم‌های اخیر را نامشخص بودن آوازها می‌داند و بر این باور است که در بسیاری از آثار موسیقی اگر شعر را در مقابل مخاطب نگذارند، متوجه کلمات و اشعار نمی‌شود، پس این آلبوم ادای دینی به شعر کلاسیک ایران است که در تصنیف و آوازها حساسیت زیادی وجود داشته است. از انتشار آلبوم بدون رضایت خانواده ذوالفنون که بگذریم، به دلیل جایگاهی که این هنرمند در موسیقی ایران داشته، فرزندش به دنبال راهی برای ادامه راه ذوالفنون است. او درباره تاسیس بنیاد ذوالفنون به «شرق» می‌گوید: «صددرصد درحال پیگیری آن هستیم. درست است که مکتب ذوالفنون دفتر یا محل خاصی نداشته اما همیشه در دل کسانی که دوستدار آن بوده‌اند، جای داشته است.»

او اضافه می‌کند: «برای اینکه مقدمات این بنیاد را راه بیندازیم در این فکر هستیم که آزمونی برگزار کنیم تا طی آن از جوان‌هایی که سبک ذوالفنون را دنبال می‌کنند، افرادی را انتخاب کنیم.» به گفته او این آزمون به صورت سالانه برگزار می‌شود و به این طریق طرفداران ذوالفنون از حالت پراکندگی درمی‌آیند. او همچنین در پاسخ به اینکه مکانی برای بنیاد در نظر گرفته شده است، پاسخ داد: «در تلاش هستیم ساختمان یا دفتری به همین منظور تهیه کنیم. مقدمات این کار از پارسال شروع شده منتهی به دلیل اینکه برای من چند سفر خارجی پیش آمد، مدتی این موضوع رها شد اما در سال جدید، این موضوع را دنبال می‌کنیم. بعد از برگزاری بزرگداشت استاد در شیراز قطعا کارهای جدی‌تر بنیاد صورت می‌گیرد.»

هفت جهان

نمایشگاه «مرت اپنهایم» در «وین»

● مجموعه‌ای از آثار مرت اپنهایم از معتبرترین هنرمندان مفهومی در وین به نمایش در می‌آید تا به این وسیله صدمین سالگرد تولد این هنرمند بزرگ توسط بانک کونست اتریش جشن گرفته شود. آثار اپنهایم همواره باعث شگفت‌زدگی مخاطبان و منتقدان شده است؛ ازجمله اثر مشهورش که فنجانی از خز حیوانات پوشیده شده است. آثار این هنرمند زن فعال در حوزه مفهومی به نظر بسیاری از منتقدان چیزی است مابین ایده‌های مدرن و پست‌مدرن انتقادی. وی کار خود را از پاریس آغاز کرد و با توجه به علاقه‌اش به نظرات هنرمندان و ادیبان سوررئالیست به‌خصوص آندره برتون دست به خلق آثاری کاملا مفهومی اما سوررئال زد. بسیاری از آثار مفهومی اپنهایم با الهام از نقاشی‌های ماکس ارنست، جیاکومتی و فرانسیس پیکابیا خلق شده است. وی در ۱۹۸۵ درگذشت.

نگاه روز

قیمت بلیت؛ پارادوکس سینمای ایران



منوچهر محمدی
تهیه‌کننده سینما

بحث اکران نوروزی از چند منظر قابل بررسی است و آثار و نتایجی را برای سینما به دنبال خواهد داشت. نکته اساسی و مهم در این موضوع این است که اگر این دقت و توجه شود که در اکران نوروزی، فیلم‌هایی متناسب با شرایط و ضمنا موفق در گیشه عرضه شود، این حسن را دارد که به مثابه ضرب‌المثل قدیمی عمل شود: «سالی که نکوست از بهارش پیداست.» اگر سال سینمای ایران با موفقیت شروع شود ولو یک موفقیت نسبی، تهیه‌کنندگان و دست‌اندرکاران سینمای ایران با دلگرمی بیشتری سال را آغاز خواهند کرد چون یک پارامتر تعیین‌کننده است. از این حیث که موفقیت در اکران نوروزی، روحیه امیدواری و شوق به کار را در تهیه‌کنندگان ایجاد می‌کند تا جدی‌تر تولید را در دستور کارشان قرار دهند. اکران نوروزی از این زاویه قابل اهمیت است که فارغ از همه جنبه‌ها، کسانی که در این حوزه تصمیم می‌گیرند، به‌گونه‌ای عمل کنند که اکران نوروزی نسبت به معدل خودش موفق باشد. اگر این اکران به دلیل برخی از تصمیم‌گیری‌های غلط یا نابه‌جا دچار مشکل شود اثرش را در طول سال به‌طور ملموس احساس خواهیم کرد. نکته دوم این است که امسال با وجود همه مشکلات و مسایل اقتصادی جامعه، باز هم سینمای ایران نسبتا خوب شروع شد. گرچه هنوز تا نقطه ایده‌آل فاصله معناداری داریم اما فیلم‌هایی که اکران شد، ضمن اینکه حواشی کمتری نسبت به سال گذشته داشت، باعث شد فروش نسبتا قابل‌قبولی هم در گیشه داشته باشد به‌خصوص سه فیلم با استقبال زیاد مردم روبه‌رو شد ولی اگر جوری چیدمان صورت می‌گرفت که هر پنج فیلم می‌توانست امسال به شکل موفقیت‌آمیزی فروش قابل‌توجهی داشته باشد، خیلی بهتر و مناسب‌تر بود، از این حیث که در شرایط خاص اقتصادی سرمایه‌گذاران با علاقه بیشتری برای سال‌جاری فکر کنند. قیمت بلیت هم اساسا یکی از معضلات جدی و پارادوکس سینمای ایران است. به این معنا که اگر یک تحقیق جامع از فاصله سال ۷۲ تا ۹۲ صورت بگیرد، متوجه می‌شویم افزایش قیمت تمام شده فیلم با افزایش قیمت بلیت هماهنگی ندارد. الان بلیت سینمای ایران در دنیا پایین‌ترین قیمت را دارد مثلا اگر خودمان را با کشورهای همجوار مثل ترکیه و آذربایجان مقایسه کنیم، می‌بینیم، قیمت بلیت در سینمای ایران فوق‌العاده ارزان است اما از طرف دیگر اگر قرار باشد قیمت بلیت متناسب با قیمت تولید افزایش کند، مخاطب را از دست می‌دهد.

با این حال افزایش هزار تومان برای بلیت به‌خصوص برای پردیس‌ها قیمت زیادی نیست و لطمه چندانی هم به سینما نخواهد زد. فکر می‌کنم در مقابل سایر تفریحات، سینما هنوز یکی از تفریحات ارزان‌تر است. اگر تولیداتمان به سمت استانداردسازی برود و موضوع آن برای خانواده‌ها جذاب باشد، خانواده‌ها آمادگی دارند که این هزینه را پرداخت کنند. همچنین چند سالی است که در شرایط اقتصادی خاصی به‌سر می‌بریم که اقتصاد خانوارها را دچار مشکل کرده و در این شرایط اولین چیزی که از سبد خانوار حذف می‌شود، فرهنگ است؛ بنابراین مدیریت در این حوزه ویژگی‌های خودش را دارد.

عزت‌الله انتظامی در گفت‌وگو با «شرق»:

راه‌اندازی خانه هنرمندان سالمند



عکس: مهدی حسنی، شرق

فرانک آرتا: «قرار است به زودی خانه سالمندان هنرمندان ایران با همکاری سازمان بهزیستی راه‌اندازی شود.» این خبر توسط عزت‌الله انتظامی، بازیگر پیشکسوت سینما و تئاتر ایران، در گفت‌وگوی اختصاصی با «شرق» اعلام شد. انتظامی انگیزه تاسیس این خانه را چنین عنوان کرد: «بعد از فوت ناراحت‌کننده هنرمندانی مثل منصوره حسینی به این فکر افتادم که یک خانه سالمندان برای هنرمندان راه‌اندازی کنیم. خیلی از هنرمندان ما در تنهایی و گوشه عزلت فوت می‌کنند. در حالی که خدماتی که به هنر و فرهنگ ایران کردند هیچ تناسبی با وضعیت زندگی‌شان نداشت. به همین دلیل با سازمان بهزیستی وارد گفت‌وگو شدیم وخوشبختانه روز گذشته به ما خبردادند که جایی برای تحقق این امر به ما خواهند داد.»

او در ادامه افزود: «به من گفتند آقای همایون هاشمی، رییس سازمان بهزیستی موافقت کردند به شما برای تاسیس این خانه ۵۰ تخت جهت بستری هنرمندان بدهند.» انتظامی توضیح داد: «چون همه کارها را باید آنها انجام بدهند. از این طرف هم ما یک هیات مدیره تاسیس می‌کنیم که این جا را اداره کنند. این پیشنهاد از جانب ما بود و سازمان بهزیستی هم استقبال کرد و گفتند ما این کار را برای‌تان انجام می‌دهیم. از این موضوع استقبال کردند و خوشحال شدند که ما چنین طرحی را پیشنهاد دادیم. حرف من این است که اغلب هنرمندان مسن از تنهایی و بیکاری دق می‌کنند. اگر درخانه سالمندان کنار هم باشند، عمرشان طولانی‌تر می‌شود و راحت‌تر زندگی می‌کنند. چون معمولا بازیگران همدیگر را قبول ندارند. بعد هرکدام می‌گویند من از تو بهترم. آنقدر تا شب باهم بحث می‌کنند و حرف می‌زنند که روزشان به شب می‌رسد. در نهایت از تنهایی هم درمی‌آیند. حالا خوشبختانه بعد از دو، سه ماه پیگیری‌هایم امروز به من خبردادند که مکانش مشخص شده است.» آقای بازیگر در ادامه درباره طرح‌های آتی خود افزود: «من فکرهای دیگری هم دارم که اگر این خانه تاسیس بشود، تماشاگر فراوانی به آنجا سر می‌زند و بعد ارتباط هنرمند با مردم حفظ می‌شود و همین انگیزه ایجاد می‌کند. چون این فکر زمانی به ذهنم رسید که برای نمایش فیلم «روسری آبی» به ژاپن سفری داشتم. در آنجا هتلداری که ما را می‌شناخت، پیشنهاد داد روز یکشنبه به فلان کلیسا بروم. من هم رفتم و دیدم کلی جمعیت در آنجا حضور دارد. دیدم تعدادی زن و مرد هنرمند روی ویلچر یا سرپا صحنه‌های نمایش و فیلمی که سال‌ها قبل اجرا کرده بودند، با لباس‌های ژاپنی بازی می‌کردند و در قبال آن دولت به این هنرمندان پول می‌دهد. مردم هم فقط تماشا می‌کردند. در نتیجه هم هنرمندان به زندگی هنری‌شان ادامه می‌دهند و هم مردم با هنرمند ارتباط خواهند داشت. امیدوارم این ایده در نهایت عملی شود.»

یاد

همدردی هنرمندان با زلزله‌زدگان

هر بار بهار، با عزای دل ما می‌آید

شرق: «این چه رازی است که هر بار بهار، با عزای دل ما می‌آید؟ ... و اینک مصیبتی دیگر در روزهای شکوفایی بهار... .» این جملات گویای احساس عمیق هنرمندان و چهره‌های فرهنگی کشورمان در همدردی با مردم زلزله‌زده شهرستان دشتی است که در ساعات بعد از این واقعه دلخراش انتشار یافت: داریوش مهرجویی در پیامی به همدردی با زلزله‌زدگان استان بوشهر پرداخت. علیرضا قربانی از جمله دیگر هنرمندانی بود که در پیامی خطاب به مردم بوشهر درگذشت تعدادی از هموطنان را در زلزله روز سه‌شنبه شهرستان دشتی تسلیت گفت. این خواننده در پیام خود نوشته است: «بار دیگر حادثه‌ای دردناک، زلزله‌ای مصیبت‌بار در خطه مردمان بسیار خونگرم و مهربان بوشهر، جان تعدادی از عزیزمان را به تلخی گرفت و خانواده‌های بسیاری را داغدار کرد. به این وسیله درگذشت تعدادی از هموطنان عزیز را خدمت ملت شریف ایران و خانواده‌های محترم آنان تسلیت عرض کرده و برای بازماندگان صبر و شکیبایی از درگاه خداوند منان خواستارم.» علی شیرازی هنرمند صاحبنام عرصه نقاشیخط هم، چنین به ابراز همدردی با مردم زلزله‌زده شهرستان دشتی پرداخت: «رودکی می‌فرماید: اندر بلای سخن پدید آید/ فضل و بزرگواری و سالاری/ امروز بخشی از پیکر وطن دچار آسیب زلزله شده و همه در بوته آزمایش‌ایم. قلب همه، همدرد اعضای آسیب‌دیده پیکر ایرانی، لبریز از اندوه و ماتم است... ملت ما در چنین وقایعی سرافرازتر از همیشه جهت کمک قد برافراشته‌اند و عزیزان مصیبت‌زده نیز فضل و بزرگواری خود را نشان خواهند داد.» همچنین مرتضی کاظمی معاون اسبق هنری وزارت ارشاد با نگارش پیام تسلیتی آورد: «در روزگار غربت عاطفه و دیرآشنایی اندوه، چه سنگین است غم هموطنانی که سال‌هاست در آرزوهای خویش، به انتظار سپیده نشسته‌اند. اما مصیبت دم‌به‌دم از راه می‌رسد، خدایشان صبر دهاد.» محسن شریفیان، هنرمند عرصه موسیقی هم از مردم ایران درخواست کرد برای کمک به زلزله‌زدگان بوشهر بشتابند. این هنرمند عرصه موسیقی که عواید کنسرت خود در جشنواره فجر سال گذشته را به هموطنان زلزله‌زده آذربایجان شرقی اهدا کرده بود، خاطرنشان کرد: «هر چند که کمک‌های ما در برابر تلفات وارد شده این اتفاق ناگوار اندک به شمار می‌رود اما امیدوارم با کمک و همدلی مردم ایران، غمی از مصیبت وارد شده به مردم استان بوشهر کم شود.» قادر آشنا، مدیر کل هنرهای نمایشی، نیز پیام تسلیتی برای همدردی با بازماندگان حادثه صادر کرد.

عکس روز



فریبرز عرب‌نیا، بازیگر سینما درباره حاشیه‌هایی که به دنبال خبر درگذشت عسل بدیعی، بازیگر سینما و تلویزیون و همسر سابق او پیش آمد، اظهارنظر کرده است. او در یادداشتی که ایسنا آن را منتشر کرده، نوشته است: «از تمام کسانی که با من و پسرم در سوگ فوت نابهنگام مادرش، همراهی و همدردی نمودند، تشکر صمیمانه می‌نمایم. همه کسانی را که از غریبه و آشنا، این ضایعه را عرصه‌ای برای تاخت‌وتاز کینه‌ها و عقده‌های حقیرانه‌شان دانستند، به مقام حق متعال می‌سپارم، باشد که با آنان شایسته خودشان و پلشتی‌های وجودشان رفتار نماید. ان‌شاءالله.» عکس: مهر

چهره روز

«چکناواریان» در نمایشگاه «هنرمندان خودآموخته»

● **شرق:** نام لوریس چکناواریان تداعی‌گر موسیقی است. او بیش از ۷۵ سمفونی، اپرا و قطعه موسیقی ساخته است. چکناواریان البته می‌گوید از کودکی، مفتون «جاذبه رنگ» بوده و از رنگ خوشش می‌آمده است. با اینکه او را بیشتر به خاطر اپراها و فعالیت‌هایی که در موسیقی داشته است، می‌شناسند اما هنر او تنها به این رشته ختم نمی‌شود. شاید برای خیلی‌ها جالب باشد که بدانند او دستی هم در نقاشی دارد و تاکنون نمایشگاه‌های موفقی در ایران و آمریکا برگزار کرده است. او البته جزو هنرمندان خودآموخته‌ای محسوب می‌شود که تا به حال آموزشی در این زمینه ندیده است. همین موضوع باعث شد تا نمایشگاه هنرمندان خودآموخته شاهد حضور او نیز باشد. این نمایشگاه به همت انجمن هنرمندان خودآموخته از تاریخ



۱۷ الی ۲۶ فروردین در گالری ممیز خانه هنرمندان ایران برگزار شده است که بزرگ‌ترین نمایشگاه این شیوه هنری در سال‌های اخیر است. در میان هنرمندانی که آثارشان روی دیوار است، نام لوریس چکناواریان هم به چشم می‌خورد. او با نمایش چهار اثر با عنوان «چهار فصل ویوالدی» نقطه‌عطفی را در این بخش از نمایشگاه به نام خویش رقم زده است.

چکناواریان تحصیلات موسیقی خود را از سال ۱۳۳۲ در هنرستان عالی موسیقی آغاز کرد. مدتی بعد به وین عزیمت کرده و تا سال ۱۳۴۰ در فرهنگستان موسیقی این شهر به تحصیل آهنگسازی و رهبری ارکستر اشتغال داشت. سپس به ایران بازگشت و ضمن تدریس در هنرستان عالی موسیقی و ترتیب دادن نمایشگاهی از سازهای ملی در انستیتو گوته تهران، تصدی صداخانه ملی هنرهای زیبای کشور را عهده‌دار شد. او در اواخر سال ۱۳۴۲ رهسپار اتریش شد و در سالزبورگ کار آهنگسازی را ادامه داد. دو سال بعد به آمریکا رفت و چندین سال در دانشگاه میشیگان به ادامه تحصیل در رشته‌های آهنگسازی و رهبری ارکستر پرداخت. او در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت.

